

مدیریت محتوای درسی علوم اجتماعی در مقطع متوسطه ، با تاکید بر پویایی و تناسب دوره ای

سید مسعود مصطفوی^۱ ، علیرضا نظری^۲ ، جواد جسری^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی ، دانشگاه فرهنگیان mostafavi.ilam@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی ، دانشگاه فرهنگیان alireza313y@gmail.com

^۳ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان mostafavi.ilam@gmail.com

چکیده

از مهم ترین کارکرد های نهاد آموزش در کنار سایر نهاد های اساسی ، اجتماعی سازی و توجه به جامعه پذیری دانش آموزان است . محتوای علوم اجتماعی نیز که در میان انواع محتواهای درسی قرار دارد ، از اهمیت مهمی با توجه به ماهیت وجودی خود برخوردار است ، اما این محتوا با توجه به برون داد هایی که دارد ، نتوانسته آنطور که باید و شاید رسالت خود را انجام دهد . از عوامل این عدم موفقیت می توان به موضوعات درسی علوم اجتماعی و بهره گیری از روش های تدریس غیر موثر و کارآمد اشاره کرد . در این مقاله که به صورت کیفی و با روش توصیفی-تحلیل تدوین شده است ، ضمن نقد این محتوا ، راهکارهایی در جهت تقویت آموزش علوم اجتماعی ارائه شده است . این مقاله از آنجا که در زمره پژوهش های کاربردی است . لذا جامعه هدف ما معلمان و دانشجو معلمان می باشند .

واژگان کلیدی : علوم اجتماعی ، متوسطه دوم ، جامعه شناسی ، برنامه درسی

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش یکی از مناسب‌ترین راه‌های رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد. همچنین به عنوان یکی از نهادهای تأثیرگذار در ایجاد و تغییر رفتار افراد جامعه نقش مهمی را به عهده دارد. در نظام آموزش و پرورش ما کتاب‌ها یا محتوای مطالب آموزشی یکی از اساسی‌ترین منابع و مراجع یادگیری دانش‌آموزان محسوب می‌گردد و بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب کتاب‌های درسی صورت می‌گیرد. همچنین در برنامه‌ریزی درسی کشور بایستی به همه‌ی مراحل آن توجه گردد. با توجه به تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش^۱ و استقرار نظام جدید آموزشی (۳،۳،۶)^۲، الزاماً نوع جدیدی از برنامه درسی و محتوای آموزشی در مدارس رواج یافت، که صاحب نظران در حوزه برنامه درسی معتقدند این محتوا با تأکید بیش از حد بر رویکرد حفظی، عدم تناسب محتوای درسی با واقعیات، تعدد دروس، حجیم بودن کتب درسی باعث شده است تا آنچه که در بطن اهداف متعالی در اسناد بالا دستی از جمله: سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی و ... به فراموشی سپرده و این رویه‌ی غلط ادامه دار شود. برنامه درسی ملی به عنوان یکی از زیر نظام‌های سند تحول بنیادین بر یازده محور جهت‌گیری یافته است: ۱- دین محوری ۲- تقویت ۳- اعتبار نقش یادگیرنده ۴- اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی) ۵- اعتبار نقش پایه‌ی خانواده ۶- جامعیت ۷- توجه به تفاوت‌ها ۸- تعادل ۹- یادگیری مادام‌العمر ۱۰- جلب مشارکت و تعامل ۱۱- یکپارچگی و فراگیری، با توجه به این محورها مشخص است محتوایی که به عرصه‌ی آموزش رسیده توان اجرایی‌سازی این محورها را ندارد. در عصر حاضر برنامه درسی مطالعات اجتماعی^۳، در کل نظام آموزشی، یکی از مهم‌ترین درس‌ها است و تأمین نیاز فراگیرندگان را بر عهده دارد (گالکتین^۴، ۲۰۰۵: ۵۵۲)؛ زیرا دانش‌آموزان امروز شهروندان فردای جامعه محسوب می‌شوند که باید در ابعاد متفاوت رشد یابند و مهارت لازم را کسب کنند (ترمن، آکان و یاکس^۵، ۲۰۱۰: ۷۴۲). بنابراین محتوای درسی و کتب علوم اجتماعی در نظام آموزش و پرورش کشور، به ویژه در مقطع متوسطه دوم با توجه به این که دانش‌آموزان با توجه افزایش سن، شکل‌گیری هویت ایشان دارای جایگاه منحصربه‌فردی هستند، از اهمیت بی‌شماری برخوردار است. این محتوای درسی اکنون در شاخه متوسطه نظری در چند عنوان به دانش‌آموزان ارائه می‌شود:

^۱ «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» (مصوب جلسه ۷۰۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

^۲ مقطع ابتدایی ۶ سال، مقطع متوسطه اول ۳ سال، مقطع متوسطه دوم ۳ سال

^۳ Social studies

^۴ Gultekin

^۵ Tarman, Acun, YuKSEL

ریاضی فیزیک	علوم و معارف اسلامی	علوم تجربی	علوم انسانی
هویت اجتماعی	جریان شناسی اندیشه های معاصر ایران	هویت اجتماعی	جامعه شناسی ۱
	جامعه شناسی ۱		جامعه شناسی ۲
			جامعه شناسی ۳
			تحلیل فرهنگی

جدول ۱ - توزیع دروس حوزه علوم اجتماعی در متوسطه دوم (شاخه نظری)

بیان مسئله

از عوامل مهمی که برای تحقق تعلیم و تربیت مطلوب موثر می باشد برنامه درسی است. "برنامه درسی به مفهوم وسیع کلمه برنامه تفضیلی کلیه فعالیت های یادگیری؛ یادگیرنده؛ انواع وسایل آموزشی؛ پیشنهاداتی در مورد راهبردهای یادگیری و شرایط اجرای برنامه را شامل می شود. (مشایخ؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۲) از قدیم کتاب های درسی به عنوان اصلی ترین منبع آموزشی محسوب می شده و اساس یادگیری بر محور کتاب های درسی بوده است و با توجه به اهدافی که برای کتاب ها تدوین می گردند، توجه به محتوا و متون کتاب های درسی و انطباق آنها با اهداف آموزشی مصوب امری بسیار ضروری و مهم می باشد. لذا حتی الامکان بایستی کتاب ها بدون نقص و از نظر علمی معتبر و مطابق با قوانین و اصول علمی برنامه ریزی و تالیف کتب درسی کشور تألیف و تدوین گردند. محتوای درسی علوم اجتماعی در مقطع متوسطه دوم با توجه به عناوین دروسی که وجود دارد و همچنین اهداف غایی که برای این برنامه در نظر گرفته شده از جمله: پرورش دانش آموزانی کنش گر با روحیه فعال، پرورش مهارت های سبک زندگی در دانش آموزان، عملی سازی ساحت اجتماعی و سیاسی در سند تحول بنیادین و بسیاری از کلان هدف ها به عقیده بسیاری از منتقدین و دبیران این امکان را فراهم نکرده است.

روش تحقیق

نوشتار پژوهشی حاضر از لحاظ ماهیت پژوهش از نوع پژوهش کیفی و با رویکرد توصیفی انجام شده است. زیرا از سویی در پی توصیف شرایط موجود محتوای درسی علوم اجتماعی است. همچنین پژوهش حاضر از نظر هدف، در دسته پژوهش های کاربردی قرار می گیرد یعنی انتظار می رود یافته های این پژوهش مورد استفاده معلمان و دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان قرار گیرد.

ساختار محتوای درسی علوم اجتماعی

محتوای کتاب آموزشی باید بتواند به تسهیل، تعمیق و تحکیم یادگیری کمک کند. هنگامی که یادگیرنده محتوای کتاب را می خواند، در واقع، مفاهیم را با توجه به پیش دانسته هایش، در ذهن خود سازماندهی می کند، به نظام ارتباطها و کاربردهای می برد، و به وسیله ی نگرش و تفکر خاص خود، دست به تولید دانش می زند. در مجموع،

کتاب‌های آموزشی با توجه به هدف‌ها، نوع محتوا و مخاطبانشان، ممکن است به شیوه‌های گوناگون طرح‌ریزی شوند. با این‌همه، می‌توان برخی ویژگی‌های ساختاری مشترک را در قالب نوعی الگوی انعطاف‌پذیر برای تدوین این کتاب‌ها پیشنهاد کرد. محتوای درسی علوم اجتماعی در مقطع متوسطه دوم، به ویژه در رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به تعدد عناوینی که وجود دارد از یک ساختار منسجم و به هم پیوسته در دروس جامعه‌شناسی ۱ تا ۳ پیروی می‌کند. همچنین کتاب تحلیل فرهنگی که به لحاظ ساختاری خارج از جامعه‌شناسی تبیین می‌گردد به صورت یک کتاب مستقل ارائه شده است، اما با توجه به ماهیت آن و مندرجاتی که در کتاب وجود دارد، تسلط علمی بر مفاهیم جامعه‌شناسی پلی برای تفهیم هرچه بهتر و بیشتر کتاب تحلیل فرهنگی می‌باشد. کتاب‌های آموزش علوم اجتماعی از تعدادی واحد یادگیری^۱ تشکیل شده است. هر واحد یادگیری در کتب علوم اجتماعی از یک فصل تشکیل شده است که خود شامل یک یا چند درس می‌باشد. هر واحد یادگیری قسمت‌های گوناگونی دارد. این قسمت‌ها نیز به لحاظ فیزیکی و ظاهری از یکدیگر متمایز و مشخص شده‌اند و مرز معینی بین آن‌ها مشاهده شود. گاهی نیز بر اساس سلیقه‌ی مؤلفان، ممکن است بین این قسمت‌ها تفکیک فیزیکی به عمل نیامده باشد. در هر دو صورت، واحد یادگیری، قسمتی برای ورود به مبحث (بخش ورودی، قسمتی برای پرداختن به اصل موضوع (بخش اصلی) و قسمتی برای پایان بخشیدن به درس (بخش پایانی) دارد. همچنین نحوه ارائه مفاهیم و موضوعان در عناوین

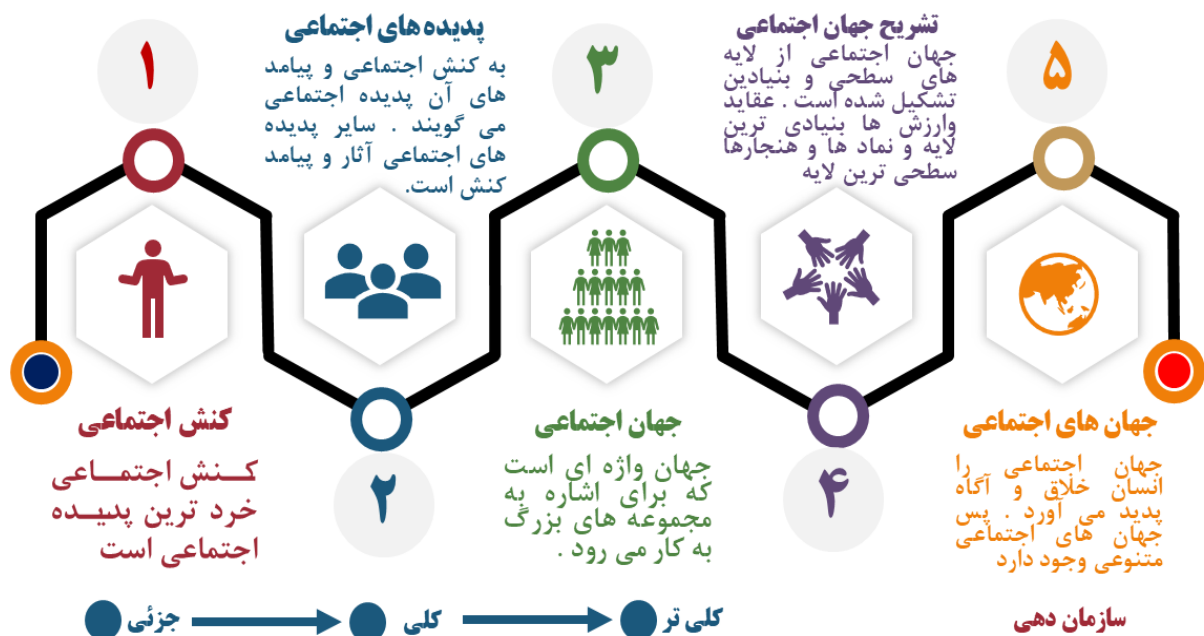
^۱چند رویداد یادگیری مرتبط به هم و معنی دار که با ارائه آن دانش آموز می‌تواند به شایستگی مهمی دست یابد.

درسی مختلف از جزء به کل می باشد. در شکل زیر می توان نمونه ای تحلیل ارائه مفاهیم در ساختار کتاب های درسی علوم اجتماعی را دید:

شکل ۱ - تحلیل ارائه محتوا و سازماندهی در کتاب درسی جامعه شناسی ۱ پایه دهم

موضوعات درسی در علوم اجتماعی

هر جامعه ای بر اساس نظام ارزشی حاکم بر آن در صدد تعلیم و تربیت افرادی است که آرمانهای خود را در وجود آن متبلور سازد. در جوامع مختلف برای رسیدن به این مهم، از ابزارها و رسانه های مختلفی استفاده می کنند. یکی از این ابزارها، مخصوصاً در کشور ما به دلیل غالب بودن و ندادن بهای زیاد به دیگر روش های آموزشی، کتابهای درسی



هستند. در این میان نیز علوم اجتماعی به عنوان یک کل و علم نافع و ارزشمند در برنامه درسی، بسیار مورد توجه و تأکید است. در سند تحول بنیادین در میان ساحت های شش گانه^۷ سند تحول بنیادین به ویژه ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی پدیدآورنده اصولی در نظام تربیت مدرسه ای شده است که حائز اهمیت است و می توان به: انطباق با نظام معیار اسلامی، عدالت تربیتی، وحدت در کثرت، تعامل، حفظ و ارتقای آزادی (مبانی نظری تحول بنیادین در آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ۲۷۲) اشاره کرد. با توجه به مواردی که بیان شد موضوعات مندرج در علوم اجتماعی متوسطه دوم را می توان در جدول ذیل بدین صورت دسته بندی کرد:

^۷ ساحت های شش گانه سند تحول بنیادین شامل: ۱- ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی ۲- ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای ۳- ساحت تربیت علمی و فناوری ۴- ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی ۵- ساحت تربیت زیستی و بدنی ۶- ساحت تربیت زیبایی شناسی و هنری می شود.

جامعه شناسی		
پایه دهم	پایه یازدهم	پایه دهم
دانش ، علوم اجتماعی	فرهنگ جهانی	کنش های اجتماعی
نظم اجتماعی ، معنابخشی به زندگی	فرهنگ معاصر غرب	پدیده های اجتماعی
قدرت ، نابرابری و هویت اجتماعی	چالش های جهانی	جهان های اجتماعی و پیامد ها و ارزیابی ها
علوم اجتماعی ، پیشینه و اسلام	بیداری اسلامی	هویت فردی و اجتماعی تبعات و پیامد ها
فرهنگ ، تحولات فرهنگی	تحلیل فرهنگی	هویت اجتماعی
رسانه و ارتباطات فرهنگی		
فرهنگ ایرانی و مسائل آن		
هویت ، فرهنگ	کنش و پدیده های اجتماعی	هویت اجتماعی
سیاست ، اقتصاد و جمعیت در ایران		

جدول ۲ - موضوعات کلی دروس علوم اجتماعی در مقطع متوسطه دوم

قلب برنامه جدید علوم اجتماعی دوره متوسطه بر دو موضوع اساسی، یعنی آگاهی و هویت یا دو مسئله اساسی بحران آگاهی و بحران هویت استوار است. علاوه بر مسئله شناسی برنامه درسی آموزش علوم اجتماعی در دوره متوسطه، مبانی نظری اسناد تحولی تعلیم و تربیت، نیز، هویت را موضوع تربیت معرفی کرده و رسالت نظام تعلیم و تربیت را هویت یابی و ارتقای هویت دانسته اند. به عقیده بسیاری از منتقدین و جامعه شناسان مفاهیم علوم اجتماعی خاصه ، جامعه شناسی که در مقطع متوسطه دوم ارائه می شود از جامعه شناسی فاصله دارد و بیشتر تأکید بر حوزه نظام جهانی و فلسفه علوم سیاسی دارد ، البته به عقیده نگارنده با توجه به اتفاقات دهه های اخیر و گسترش هرچه بیشتر جهانی شدن^۱ آن هم با معیار قرار دادن کشورمان می تواند موثر باشد اما بایستی بازهم یادآور شد اطلاق جامعه شناسی بر اندیشه های فلسفه سیاسی نادرست است . عنوان جامعه شناسی مفاهیم جامعه شناسی عمومی را به ذهن متبادر می کند، یعنی جامعه شناسی چیست ، جامعه شناسی به چه کاری می آید، جامعه شناسی در ایران چه کاربردهایی دارد و مفاهیمی از این دست ، اما از مفهوم جامعه شناسی، جامعه شناسی نظام جهانی را نمی توان اسنباط کرد . با توجه به این موضوعات متن کتاب های درسی علوم اجتماعی رویکرد هنجاری نیز داشته و خوب و بد را بیان می کند ، اما این خوب و بد که بن مایه ارزشی نیز دارد . بایستی دارای استدلال هایی برای اقناع سازی دانش آموزان در راستای همان رویکرد هنجاری باشد .

روش های تدریس

^۱ جهانی شدن فرایند کنش متقابل و یکپارچگی مردم ، شرکتها و دولتها در سراسر جهان است.

روش تدریس^۹، روش سازمان‌دهی شکل یادگیری با هدف برآورده شدن یک هدف آموزشی خاص، یا به جای گذاردن یک اثر یادگیری خاص است، در متون علوم تربیتی مفهومی آشنا به نظر می‌رسد و اکثر معلمان و مجریان برنامه های درسی با معنی و ماهیت درست آن آشنایی دارند. اما برداشت های مختلف معلمان از مفهوم تدریس می تواند در نگرش آنان نسبت به محتوای آموزشی، دانش آموزان و نحوه ی کار کردن آنها تأثیر مثبت یا منفی بر جای گذارد. برداشت چند گانه از مفهوم تدریس می تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ از مهمترین آنها ضعف دانش پایه و برداشت نادرست معلمان از دیدگاه های مختلف تربیتی است. علوم اجتماعی با توجه به رسالتی که دارد و آن نیز پرورش دانش آموزانی کنش گر و فعال در راستای تحقق حیات طیبه است؛ مستلزم برخورداری از روش های تدریس فعال، موثر و کارآمدی است که بتواند در راستای اهداف عالی و ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی عمل کند. امروزه در مدارس شاهد هستیم به علت های مختلف روش های تدریس فعال بهره گیری نمی شود. روش های تدریسی که در مدارس امروزه برای درس های علوم اجتماعی بهره گرفته می شود، روش های سخنرانی، حفظ مفاهیم و اخذ آزمون و روخوانی است. اما باید توجه داشت در جهت راهبرد های یاد دهی و یادگیری فعال بایست از روش های تدریس نوین و فعال استفاده نمود. در اینجا تعدادی از روش های تدریس فعال علوم اجتماعی پیشنهاد می شود:

• الگوی کاوشگری علوم اجتماعی

این الگو باعث درک مسائل اجتماعی، از قبیل مردم شناسی، جامعه شناسی، فرهنگ شناسی، مهارت عقلی، آموختن اطلاعات، تشکیل مفاهیم و استفاده مناسب از مفاهیم در دانش آموزان می شود. در این الگو معلم موقعیت کاوشگری را ایجاد و از دانش آموزان می خواهد تا به بررسی و نتیجه گیری در مورد آن بپردازند. این الگو در تمام سنین و دوره های تحصیلی به ویژه در درس علوم اجتماعی کاربرد دارد. و در نهایت باعث تقویت فهم و درک دانش آموزان در خصوص مسائل اجتماعی می شود.

• الگوی آموزش برای رشد مفهوم و مهارت

این الگو معمولاً به دو صورت زیر است:
الگوی نظریه و عمل: مانند یک مهارت ریاضی که در آن مهارت با نشان دادن ممارست، باز خورد و نظارت در هم می آمیزد تا دانش آموز بر آن مهارت تسلط یابد. شبیه سازی که از توصیف موقعیت های زندگی ایجاد می شود.

مثال: معلم در درس جغرافیا، کره زمین است و یا از مولاژ استفاده می کند و اندامها و دستگاه های مختلف بدن انسان را نشان می دهد. در این الگو معلم نقش هادی و راهنما را دارد و بایستی یادگیری با تشکیل شرکت سهامی فکر بین دانش آموزان و معلم انجام گیرد این الگو در همه سنین و سطوح تحصیلی کاربرد دارد و در

نهایت باعث افزایش مفاهیم و مهارت‌های آگاهی درباره سیستم‌های اجتماعی، همدردی، آگاهی از تنش تغییر و احساس اثر بخشی در دانش آموزان می‌شود.

• الگوی تدریس غیر مستقیم

این الگو باعث مشارکت فراگیران در یادگیری شده و به آنها یاد می‌دهد که چگونه خود را به فراگیری مطالب پرداخته و مسائل را حل نمایند. معلم نقش هادی، راهنما و تسهیل کننده را دارد و دانش آموز آغاز کننده به نحوی که معلم به دانش آموزان کمک می‌کند تا مسائل را تعریف و برای حل موفقیت آمیز آنها اقدام نمایند. همچنین معلم بایستی مکانی آرام توأم با جو مثبت و اطلاعات مورد نیاز برای دانش آموزان فراهم نماید. این الگو دانش آموزان را قادر به افزایش آگاهی فردی، رشد خود، هدف‌های اجتماعی و تحصیلی متنوع می‌نماید.

• الگوی کاوشگری به شیوه حقوقی

این الگو برای کمک به دانش آموزان در بررسی مسایل اجتماعی از قبل عدالت، برابری، فقر، قدرت، تقویت رشد عمومی و اجتماعی آنها برای توجیه و حل این گونه مسایل به شیوه مذاکره است. در این الگو معلم آغازگر، کنترل کننده جو برای ایجاد یک فضای مثبت کاری و عقلی، باز و پویا است و به فراگیران تفهیم می‌کند که یکدیگر را مستقیم ارزیابی ننمایند، و به عقاید و نظرات همدیگر احترام بگذارند. این الگو بیشتر برای دوره های دبیرستان و دانشگاه کاربرد دارد و در نهایت باعث تقویت روحیه همدلی، قضاوت منطقی در خصوص مسائل اجتماعی تحلیل مناسب مسائل روز و تقویت کار دسته جمعی در دانش آموزان می‌شود.

• روش حل مسئله

این روش یکی از روش‌های فعال تدریس است. اگر نظام آموزشی بخواهد توانایی حل مسئله را به دانش آموزان یاددهد، (البته مسئله به معنی مشکل و معضل نیست، به بیان دیگر مسئله موضوعی نیست که برای ما مشکل ایجاد کند، بلکه رسیدن به هدف در هر اقدامی، به نوعی حل مسئله است، (خورشیدی، غندالی، موفق، ۱۳۷۸) در این روش آموزش در بستر پژوهش انجام می‌شود و منجر به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش آموزان می‌شود. در این روش ابتدا معلم باید مسئله را مشخص، سپس به جمع آوری اطلاعات توسط دانش آموزان پرداخته شود، و بعد از جمع آوری اطلاعات بر اساس اطلاعات جمع آوری شده دانش آموزان فرضیه سازی و در نهایت فرضیه ها را از مون و نتیجه گیری شود. اگر روش حل مسئله درست انجام شود می‌تواند منجر به بارش یا طوفان فکری گردد. یعنی اگر معلم روش تدریس حل مسئله را به درستی انجام دهد، دانش آموزان می‌کوشند تا برای حل مسئله با استفاده از تمام افکار و اندیشه هایی که دارند، در کلاس راه حلی

بیايندو آن را ارائه دهند. به بيان ديگر اگر معلم در روش تدریس حل مسئله به درستی عمل کند، منجر به روش تدریس بارش مغزی نیز می شود. به طور کلی اگر نظام آموزش و پرورش بخواهد در جهت تقویت زمینه های بالقوه خلاقیت نقش مهمی ایفا کند همانا بست روشهای تدریس حل مسئله و بارش فکری در کلاس درس توسط معلمان است.

• راهبرد بهره گیری از رویداد های جاری

یکی از روش های نوین تدریس در علوم اجتماعی ، راهبرد توجه به رویداد های جاری است . آنچه که در جوامع بین المللی ، ملی و محلی در ابعاد مختلف رخ می دهد می تواند رویداد جاری تلقی شده و در فرایند تدریس معلمان مورد بهره برداری قرار گیرد .

هماهنگی محتوای درسی با نیاز های جامعه

براساس دیدگاه اجتماعی برنامه درسی، جامعه مهم ترین بستر و عنصر ساختی برنامه درسی است. (میلر^{۱۰} ، ۱۳۹۶) اذعان می دارد که در دیدگاه اجتماعی، به فرد در زمینه و شرایط خاص اجتماعی نگاه می شود و تلاش بر آن است که برنامه هایی متناسب با این زمینه و شرایط آماده شوند. طراحان برنامه درسی باید با توجه به دوره تحصیلی و موضوع درسی سعی کنند، نیازها، انتظارات و مشکلات جامعه را بشناسند و در برنامه درسی منعکس سازند. به علاوه، آنان باید بدانند که آموزش و پرورش مناسب و اجرای مطلوب برنامه های آن، همواره مستلزم برقراری نظام ها و جریان های اجتماعی در کلاس است. این مهم، برنامه ریزان درسی را بر آن می دارد که پیش از تهیه برنامه درسی، ماهیت جامعه و عناصر تشکیل دهنده آن را بشناسند تا برنامه ای تهیه کنند که از جامعه برگرفته شده باشد و نیازها، مشکلات و انتظارات جامعه را مورد تأکید قرار دهد (طالبی، مظلومیان و صیف، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۷). محتوای درسی علوم اجتماعی همان طور که گفته شد باید تأمین کننده اهداف اسناد بالا دستی باشد ، اما واقعیت برخلاف این موضوع است ، تأکید گسترده بر فلسفه سیاسی شاید آن انتظاراتی که از جامعه شناسی به طور اخص و علوم اجتماعی به طور عام داریم را برآورده نکرده باشد . امروزه مسائل مختلف اجتماعی در جامعه وجود دارد که باید با نگاه جامعه شناسی به تبیین و بررسی آن به ویژه برای دانش آموزان پرداخت . متاسفانه محتوای حاضر نمی تواند پوشش کافی بر مسائل اجتماعی که با دانش آموزان مرتبط است داشته باشد .

راهکارهای در راستای بهبود محتوای علوم اجتماعی

در راستای توسعه و تعمیق در آموزش علوم اجتماعی در مقطع متوسطه پیشنهاد می شود :

- تألیف کتب درسی علوم اجتماعی با رویکرد جدید و مطابق با نیاز های روز جامعه صورت گیرد .
- مفاهیم پایه، جامعه شناسی عمومی در کتب درسی گنجانده شود .
- دوره های روش تدریس فعال در علوم اجتماعی برای دبیران و معلمان برگزار شود .
- زمینه تمرکز زدایی از تدریس در علوم اجتماعی فراهم گردد .
- در پیوست کتب علوم اجتماعی، پروژه هایی برای عملی سازی مفاهیم جامعه شناختی تدوین شود .
- زمینه همکاری مدارس با دانشکده های علوم اجتماعی و پژوهشکده ها فراهم شود .

نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد تا روایتی کیفی از محتوای درسی علوم اجتماعی در مقطع متوسطه دوم صورت گیرد . همانطور که در مقاله بیان شد محتوای علوم اجتماعی که به دانش آموزان عرضه می شود ، دچار ضعف هایی است که بیاد مسئولین امر در این زمینه نسبت رفع کاستی ها و تقویت این محتوا با توجه به رسالت و مأموریت این حوزه درسی اقدام شود . معلمان نیز به عنوان راهبران اصلی جریان تعلیم و تربیت همگام با نیاز های جامعه بایستی مطالعات خود را گسترش داده و نسبت به تعمیق مفاهیم علوم اجتماعی ، خاصه ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی در سند تحول بنیادین اقدام کنند .

منابع

- ۱) جمشیدی، میرزا، ۱۳۹۸، راهبرد های تدریس موثر در آموزش مطالعات اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان.
- ۲) غندالی، فرشید، خورشیدی، عباس، ۱۳۷۸، روشهای پژوهش در علوم رفتاری (از نظریه تا عمل)، نوین پژوهش، تهران
- ۳) مشایخ، فریده، ۱۳۷۵، فرآیند برنامه ریزی آموزشی، تهران، انتشارات سمت.
- میلر، جی پی، ۱۳۹۶، نظریه‌های برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی. انتشارات سمت. تهران.
- ۴) میرزا محمدی، محمد حسن، ۱۳۸۳، کتاب ارشد، تهران، پوران پژوهش.
- وزارت آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، تهران
- ۵) وزارت آموزش و پرورش، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، تهران

- 6) Tarman, B, Acun, I , YuKSEL, U (2010). Evaluation of Theses in the Field of Social Studies Education in Turkey. 9 (3), 725 – 746.
- 7) Gultekin, M (2005). The Effect of Project Based Learning on Learning Outcomes in the 5th Grade Social Studies Course in Primary Education. Journal Educational Sciences: Theory & Practice. (5) 2, 548-556.